

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی  
برلین – پنجم سپتمبر ۲۰۱۰

## فشرده مصاحبه دپلوم انجنیر نسرين معروفی با رادیو "دموکراسی شورائی"

هر چند این نکته که سهم و نقش زنان که نصف جامعه را تشکیل می‌دهند و در روند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به حیث قشر سازنده هر جامعه ای رول براننده دارند، و سعادت و آینده هر کشوری بدون اشتراک فعال زنان امکان پذیر نیست، با آن هم می‌بینیم که حقوق زنان در تمام جوامع بشری پامال میشود؛ در جوامع به اصطلاح "متمدن" غرب که سرمایه بر آن حاکم است، به شکلی و در بلاد اسلامی و ممالک عقب نگهداشته شده، به نحوی دیگر. سرکوب و پامال شدن حیثیت و شخصیت زن تراژیدیست مخصوص به خود. در چنین جوامعی پامال نمودن حقوق زن در طول تاریخ تحت حکومت دست نشانده، ارتجاع و اسلام سیاسی با مناسبات مردسالاری که بر جامعه حکمفرماست، وجود داشته و دارد. با تصویب و اجرای قوانین مردسالارانه، تطبیق قوانین پوسیده دین و مذهب، پروپاگندهای مسائل عنعنه‌ئی، رسم و رواجهای بی مفهوم، ظلمت بیداشتی، عدم استقلال اقتصادی، تحمیل مالکیت مرد بر زن، خشونت و تبعیض در محیط خانه و اجتماع، خلاصه تحت دهها عنوان دیگر موقف و سرنوشت زن را به تاریکی و قهقراء سوق دادند.

در تاریخ پر نشیب و فراز سه دهه اخیر کشور ما بعد از شکست فضیحتبار سوسیال امپریالیزم شوروی، امپریالیزم جهانخوار که در رأس اضلاع متحده امریکا قرار دارد، پلانهای شوم و غارتگرانه خود را که سالها قبل برای کشور عزیز ما افغانستان طرح کرده بود، یک به یک تطبیق کرده و تا امروز وطن ما را غرقه به خون نگه میدارد.

سه دهه با وحشی ترین اعمال که مبین هویت و ماهیت سرمایه است، در راه برآورده شدن امیال و منافع استعماری خود با ارتجاع و اسلام سیاسی، کشور ما را به خاک و خون کشانیده اند. که در اینجا به توضیح وضعیت زنان در سه دهه میپردازم. درین رابطه نویسندگان ما بسیار نوشته اند. در جریان سه دهه که کشور ما در آتش سیاست های غارتگرانه میسوزد، میخوام به گوشه هایی از تراژیدی زن افغان، یعنی مظلوم ترین، مصیبت دیده ترین و رنج کشیده ترین بخش از جامعه ما بپردازم.

طوری که قبلاً تذکر دادم، امپریالیزم جنایتگستر بعد از شکست سوسیال امپریالیزم، تنظیم های جهادی را که در جریان تجاوز ده ساله شوروی آن زمان در آغوش آی اس آی در پاکستان از نعمات مادی و نظامی امپریالیزم کاملاً برخوردار بودند، در افغانستان بر سر اقتدار آورد. درین دوره فجایعی که تصور آن از عقل بعید است، از قتل و قتل گرفته تا اختطاف، تجاوز به دختران و حتی پیرزنان، ازدواجهای اجباری دریغ نورزید.

آنچه را که امپریالیزم طرح نموده بود، به کمک ارتجاع داخل و تنظیمهای جهادی، انجام داد، که زنان قربانی دست اول جنایت شان بودند. این همه مظالم، مردم را به مرگ راضی ساخته بود، تا اینکه در جهنم حکومت تنظیمها و اسلام سیاسی به زندگی خود ادامه بدهند. امپریالیزم تا آن حد با پلانهای طرح شده خود موفقانه پیش رفت و همینکه متوجه شد که خلق افغانستان، مخصوصاً زنان داغیده ازین حالت به ستوه آمده اند، با به قدرت رسانیدن دستپرونده های دیگر خود یعنی طالبان، که روی توطئه های امپریالیستی و اهداف استعماری امپریالیزم به کمک استخبارات عسکری پاکستان تربیه و آماده شده بودند، با ایجاد یک نظام ضد انسانی، فرهنگ ستیزان جاهل و انسانهای تاریخزده را بر شانه ها مردم سوار ساختند. آنها با توسل به قوانین دینی و مذهبی زیر عنوان مصونیت زنان، زنان را از همه حقوق اجتماعی محروم کردند. تخطی از قوانین دینی و مذهبی، یعنی خارج شدن از چار دیوار خانه به جزای تعیین شده، یعنی شلاق و بعضاً مجازات های شدیدتر روبرو میشدند. صحبت و تماس با مرد نامحرم می توانست حتماً خطر اعدام و سنگسار را نیز به دنبال داشته باشد. چنین امری همه روزه در جامعه ما تطبیق گریده و تا امروز تطبیق میگردد. بستن مکاتب بر روی دختران و زنان، آتش زدن مکاتب، خلاصه افغانستان را به گورستان مبدل نموده و زنان را زنده به گور کرده بودند.

بدین ترتیب امپریالیزم با ایجاد و حمایت طالبان، جنایتی بس عظیم را علیه زنان افغان مرتکب شده و خواست ملت ما و مخصوصاً زنان را در عمق و محراق گرداب جهالت سوق بدهد و با این جنایات ملت ما را توسط دست نشاندگان طالبی خود به تباهی نشاند، تا دست استمداد به سوی امپریالیزم جهانخوار دراز نمایند، تا ایشان را از گرداب مهلک و مهیب طالبی نجات بدهند. همان بود که پلانهای بعدی خود را روی دست گرفت، یعنی دست به تخریب مرکز تجارتی جهان در نیویارک زده و با کشتن ۳۰۰۰ انسان بی خبر، توانست توجه جهانیان را جلب نموده و زمینه تجاوز را به خاک ما فراهم آورد. بدین ترتیب به بهانه امحای مراکز تروریسم و ازبین بردن رژیم طالبی و آوردن دموکراسی و اعاده حقوق بشر و حقوق زنان و بازسازی و غیره، یکجا با ۴۳ کشور بر وطن ما حمله ور گردید.

بدین ترتیب ۹ سال است که در این سرزمین به قتل و قتل میپردازند. با به وجود آوردن اداره مستعمراتی که در رأس کرسی خائن قرار دارد و اکثر جنایتکاران و مرتجعانی که در زمان قدرت خود انواع جنایات و فاجعه ها آفریدند، در آن اشتراک دارند. همین جنایتکاران و خائنان اند که امروز مدافع به اصطلاح حقوق زن شده اند و در غارت کردن مادی کشور ما دستیار استعمار گریده اند.

زنان افغانستان امروز یک درد ندارند، بلکه صدها و هزاران درد دامنگیرشان میباشد. در سرزمینی نظیر افغانستان، مردم شهر نشین به تناسب کل نفوس، در اقلیت کوچک قرار دارند. ملیونها زنی که در قصبات، روستاها و شهرکها زندگی میکنند، با فرهنگ فیودالی، سنن و باورهای قبیله نی متاثر از احکام خشن دینی و مذهبی، روبرو میباشند. آیا به قدرت رساندن چند زن و آن هم به شکل نمایشی در اداره مستعمراتی کرسی و پارلمان چنین اداره ای، میتواند نمایندگی از برآورده شدن حقوق و آزادی ملیونها زنی کند، که در آتش فقر،

بدبختی، مرض، فقدان امکانات طبی، نبودن آب آشامیدنی، ظلم و شکنجه، مواد مخدره و خلاصه انواع شکنجه های جسمی و روانی میسوزند؟ به یقین که جواب منفی است.

فرقی که امروز با دوران طالبان دارد اینست:

با حاکمیت طالبان، امپریالیزم فجایع خود را از طریق دست پروردگان خود، یعنی طالبان انجام میداد و چنانکه تذکر رفت افغانستان را گورستان و زن را زنده به گور کرده بودند. امروز مگر همه، یعنی امپریالیزم و ارتجاع و طالبان، متحدانه به جنایت میپردازند. زنان امروز با شرایط وحشتناک و دردآور، در حال ناامنی زندگانی میکنند. حقوق زنان امروز تحت اداره مستعمراتی که متشکل از خائنان و دزدان و راهزنان است و حاکمیت مزورانه خود را بر مردم تحمیل کرده است، بیشتر پامال میگردد.

وضعیت زنان نه تنها در افغانستان، بلکه در کشورهای منطقه نظیر ایران و پاکستان و هندوستان نیز پامال میگردد. رژیم آخوندی که بر دین سالاری خشن استوار است، دشمن درجه یک آزادی فردی و اجتماعی، آزادی بیان و برابری حقوق زن و مرد میباشد. خلاصه اینکه در تمام ممالکی که رژیمهای منحنط با فرهنگ ارتجاعی و مردسالارانه حکم میراند، استبداد بر همه مردم و خصوصاً بر زنان بیداد میکند.

زنان در چنین جوامعی اسیر اسلام سیاسی، افکار ارتجاعی و قوانین سرکوبگرانه دینی و مذهبی هستند و محروم از تمام حقوق انسانی و طبیعی خویش.

با وجودی که در تمام جوامع بودند و هستند زنانی که از خود شهامت و دلاوری نشان داده و با استعمار و استبداد و نابرابری حقوق اجتماعی، رزمیده اند، مع الوصف در شرایط افغانستان و ممالک همسایه ما مثل ایران و پاکستان و به طور عموم کشورهای منطقه، به مبارزات وسیع، پیگیر و طولانی نیاز است. البته این مبارزات بدون شرکت آگاهانه و فعال خود زنان، ره به جایی نمیبرد. به ضد استعمار، استبداد، ارتجاع، اسلام سیاسی، حاکمیت دین و مذهب، باید کار وسیع تبلیغی و ترویجی. آزادی بخشا و رهاننده صورت بگیرد. زنها نباید از پخش عکسهای هولناک زنان گوش و بینی بریده و تیزآب پاشیده، ترس به خود راه دهند. به عکس، این امر ایشان را باید در کارشان جزم تر و مصمم تر بسازد. زنان باید وظیفه خود بدانند، تا در برداشتن گلیم استعمار و استبداد و ارتجاع و حاکمیت دین و مذهب و اسلام سیاسی بر روابط اجتماعی، سهم ارزنده و شایان بگیرند. هیچ رژیمی نمیتواند زنان را به حقوق حقه شان برساند، مگر رژیمهای مردمی و جامعه فارغ از ستم.